

**Science and technology diplomacy and its application requirements in the de-security strategy of the Islamic Republic of Iran**Zeinab Ebrahimi¹| Farzad Rostami²**Abstract**

One of the areas that has great power in securing the interests countries in various fields is science and technology diplomacy which countries use to achieve development and resolve disputes in the national and international arenas The present study using Joseph Nye's soft power and the securitization and de-securitization of the Copenhagen School, and in parallel with them, unctionalism and neo-functionalism, using a descriptive-prescriptive method, seeks to answer the question how science and technology diplomacy affects the de-securitization and securitization the Islamic Republic Iran? The hypothesis this research is that academic diplomacy can be effective in the form scientific exchanges at the regional and international levels membership and cooperation in international scientific organizations strengthening knowledge-based power changing the mentality elites and creating progressive knowledge communities in the desecurity the Islamic Republic Iran. The results the research also indicate that in recent years under the conditions the imposition of sanctions and the security the countr Iran has made efforts by using the soft power hidden in academic diplomacy to change the view the country first among the scientific elites and then among their communities but in this direction He is facing weaknesses and shortcomings And the scientific cycle the country should gain more momentum in order to realize its goals and benefits because the interactions that are achieved in the direction of scientific and university exchanges help to create a platform and create awareness and increase the knowledge of nations away from any kind propaganda and create positive images Iran in the minds other nations Creates.

Keywords: science and technology diplomacy soft power Securitization De securitization

1. Zeinab Ebrahimi, Master of International Relations, Faculty of Social Sciences, Razi University of Kermanshah. za09050za@gmail.com

2. Corresponding author: Farzad Rostami, Associate Professor of Political Science and International Relations, Faculty of Social Sciences, Razi University of Kermanshah. f.rostami1361@gmail.com

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





دوره

سال
فصل سال
صص: ۱۱-۱۰۰۰

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۳۶۴۵-۵۲۵۰



دیپلماسی علم و فناوری و الزامات کاربست آن در راهبرد غیرامنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران

زینب ابراهیمی^۱ | فرزاد رستمی^۲

چکیده

یکی از حوزه‌های که قدرت فراوانی در تأمین منافع کشورها در عرصه‌های مختلف دارد، دیپلماسی علم و فناوری می‌باشد که کشورها برای دست پیدا کردن به توسعه و حل اختلافات در عرصه‌های ملی و بین‌المللی از آن بهره می‌گیرند. پژوهش حاضر با استفاده از قدرت نرم جوزف نای و امنیتی سازی و غیرامنیتی سازی مکتب کپنهاک و به موازات آن‌ها کارکردگرایی و نوکارکردگرایی با بهره‌گیری از روش توصیفی-تجویزی به دنبال پاسخ دادن به این سؤال است که دیپلماسی علم و فناوری چگونه بر غیرامنیتی سازی امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است؟ فرضیه این پژوهش نیز این‌گونه مطرح شده است که دیپلماسی علم و فناوری، می‌تواند در قالب تبادلات علمی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، عضویت و همکاری در سازمان‌های علمی بین‌المللی، تقویت قدرت دانش‌محور، تغییر در ذهنیت نخبگان و ایجاد جوامع معرفتی پیشرو در غیرامنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشد. نتایج پژوهش نیز حاکی از آن است که ایران در سال‌های اخیر و در شرایط اعمال تحریم‌ها و چهره امنیتی شده‌ی کشور تلاش‌هایی را با استفاده از قدرت نرم نهفته در دیپلماسی علم و فناوری برای تغییر نگاه به کشور، ابتدا در بین نخبگان علمی و سپس در بین جوامع آن‌ها انجام داده است، اما در این راستا با ضعف‌ها و کاستی‌هایی روبه‌رو است و باید چرخه‌ی علمی کشور در راستای تحقق اهداف و منافع، شتاب بیشتری به خود بگیرد، چون تعاملاتی که در راستای مبادلات علمی و دانشگاهی حاصل می‌شود به بسترسازی و ایجاد آگاهی و افزایش شناخت ملت‌ها به دور از هرگونه تبلیغی کمک می‌کند و تصورات مثبتی را از ایران در اذهان دیگر ملل ایجاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی علم و فناوری، قدرت نرم، غیرامنیتی سازی، امنیتی سازی

۱. زینب ابراهیمی، کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه،

za09050za@gmail.com

۲. نویسنده مسئول: فرزاد رستمی دانشیار علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی

کرمانشاه، f.rostami@razi.ac.ir

مقدمه

در عصر جهانی شدن با تغییر و تحول در نگرش‌های کشورهای مختلف نسبت به یکدیگر با استفاده از ابزارها و ظرفیت‌های جدید، نگاه کشورها نیز از دیپلماسی سنتی به سمت وسوی نگرش بر مبنای دیپلماسی‌های نوین گرایش پیدا کرده است و دیپلماسی سنتی که بیشتر به عنوان ابزاری در دست دولت‌ها بود به سمت دیپلماسی‌های نرم سوق پیدا کرده است. کشورهای مختلف به خصوص کشورهای توسعه‌یافته به این باور رسیدند که برای تأثیرگذاری بر روی افکار و نگرش‌های جوامع دیگر، ابزارهای مورد استفاده‌ی خود را تغییر دهند و از ابزار علم در قالب که از جذابیت دیپلماسی علمی و اقناع‌کنندگی زیادی برخوردار است در مراودات خود با مردم دیگر جوامع سود ببرند. از این رو، دیپلماسی علم و فناوری، ابزاری است که قدرت فراوانی در تامین منافع کشورها در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی دارد. کشورها برای دست پیدا کردن به توسعه و حل اختلافات در عرصه‌های ملی و بین‌المللی از آن بهره می‌گیرند. این موضوع زمانی اهمیت پیدا می‌کند که یک کشور توسط کشور یا کشورهای دیگر به‌خاطر اختلافات سیاسی و اعتقادی در سطح منطقه و بین‌المللی امنیتی شده و تصویری منفی از آن در اذهان مردم دیگر جوامع به بهانه‌های مختلف ترسیم شده باشد. در این راستا جمهوری اسلامی ایران به دلیل اتخاذ رویکردهای متفاوت و البته مستقل از هنجارهای حاکم بر نظام بین‌الملل بعد از انقلاب در حوزه‌های مختلف امنیتی شده است. پژوهش حاضر به دنبال بررسی این موضوع است که آیا دیپلماسی علمی به عنوان حوزه‌ای جدید در ادبیات سیاسی و روابط بین‌الملل قادر است به فرآیند غیر امنیتی‌سازی کشور و کاهش هزینه‌های ایجاد شده، یاری رساند یا خیر؟ سؤال این پژوهش این گونه مطرح شده است که دیپلماسی علم و فناوری چگونه بر غیر امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار است؟ فرضیه طرح شده این گونه است که دیپلماسی علمی می‌تواند در قالب تبادلات علمی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، عضویت و همکاری در سازمان‌های علمی بین‌المللی و تقویت قدرت ملی دانش‌محور، تغییر در ذهنیت نخبگان و ایجاد جوامع معرفتی پیشرو در غیر امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار باشد. در این پژوهش، بسترهای شکل‌گیری دیپلماسی علم و فناوری و تجارب جهانی در این زمینه، فرآیند امنیتی سازی جمهوری

اسلامی ایران، توسط کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و راه‌های غیرامنیتی سازی امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

ادبیات نظری (B Zar: 14; Bold)

پژوهش حاضر، از نظریه‌های قدرت نرم، امنیتی سازی و غیرامنیتی سازی مکتب کپنهاک و به موازات آن‌ها برای تبیین بهتر موضوع از کارکردگرایی و نوکاردگرایی بهره گرفته است.

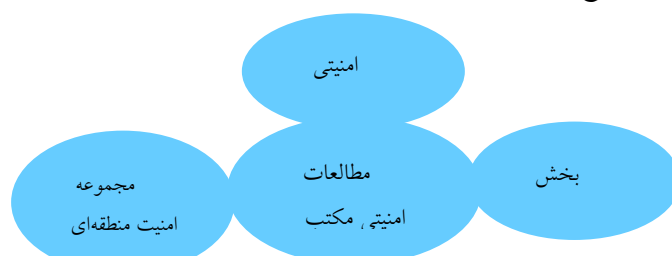
۱-۲. قدرت نرم

این مفهوم را اولین بار جوزف نای^۱ در سال ۱۹۹۹ در کتابی با نام "تغییر ماهیت قدرت آمریکایی" مطرح کرد (ربیعی، ۱۳۹۹: ۵۸). اهمیت اندیشه‌ی نای در حوزه‌ی قدرت بر این مفهوم استوار است که شرایط امروزی، کشورها را وادار به اعمال اشکال جدید قدرت کرده است و در نظر گرفتن عناصری چون هزینه، زمان، وجهه‌ی بین‌المللی، اولویت یافتن همکاری و گستردگی و پیچیدگی ارتباطات و افزایش اطلاعات، کشورها را به سمت نگاهی نو به موضوع قدرت کشانده است (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۱). نای، قدرت نرم را مبتنی بر توانایی شکل دادن اولویت‌های دیگران بیان می‌کند که دارای توانایی جذب است و این جذب، اغلب راه به رضایت و تسلیم می‌برد (نای، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۵۹). از این رو، نای، معتقد است که کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا می‌توانند با ترویج یک درک بهتر از قدرت و توصیف مهم‌ترین راه‌های چگونگی تغییر دنیا در ۲۰ تا ۳۰ سال گذشته به بالا رفتن سطح گفت‌وگو و پیشرفت سیاست خارجی کمک کنند. وی بیان می‌کند که می‌توانیم به تدریج در ذهن دانشجویان خود و به‌طور کلی افکار عمومی، درکی بهتر از واقعیت‌های جامعه‌ی خود را وارد کنیم (Ney, 2021: 13). طبق نظر نای، دانشگاه‌ها و منابع مستقل، قدرت نرم خود را تولید می‌کنند و اهمیت این منابع در عصر جهانی اطلاعات روبه افزایش است. وجود تعداد زیادی از دانشجویان و محققان بین‌المللی در کشورها به عنوان شاخص اجتماعی قدرت نرم دولت‌ها تلقی شده، به فهم و شناخت دوجانبه بین کشورها می‌انجامد. به اعتقاد نای، مبادلات به ایجاد تصویری جذاب از یک کشور کمک کرده و می‌تواند امید و چشم‌انداز کشور را برای کسب نتایج مطلوب بهبود بخشد (محمدی پور، ۱۳۹۳: ۴۳).

^۱ Joseph Nye.

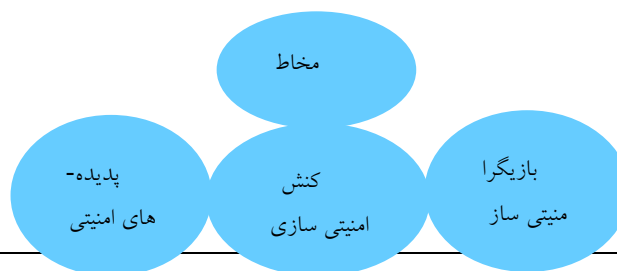
۲-۲. امنیتی سازی و غیرامنیتی سازی مکتب کپنهاک

کپنهاک، مکتبی است در راستای توجه وسیع به موضوع امنیت با اندیشمندانی، چون مک سوئینی^۱، اولی ویور^۲ و باری بوزان^۳. این مکتب در مطالعات امنیتی حول سه محور امنیتی سازی، بخش ها و مجموعه امنیتی منطقه ای شکل گرفته است. امنیتی سازی؛ به خارج ساختن یک مسئله از حوزه ی سیاست عادی و وارد سازی آن به قلمرو سیاست اضطراری از طریق بازنمایی آن به مثابه ی تهدید وجودی اشاره دارد. بخش ها بر تقسیم امنیت به ابعاد نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تأکید دارد. (زارع زاده ابرقویی، ۱۳۹۶: ۹۳).



شکل ۱- مطالعات امنیتی مکتب کپنهاک (زارع زاده ابرقویی، ۱۳۹۶: ۹۳)

مجموعه های امنیتی، مجموعه ای از واحدها هستند که در آن ها فرآیندهای امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن یا هردو آن اندازه درهم تنیده شده اند که مشکلات امنیتی نمی تواند جدای از یکدیگر تحلیل یا حل شوند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۵). در چرخه ی امنیتی شدن، هدف مرجع، بازیگران امنیتی کننده، بازیگران کارکردی، مخاطبان هدف و شرایط تسهیل کننده دخالت دارند. همچنین از نظر مکتب کپنهاک، امنیتی ساختن هر پدیده شامل سه جزء بازیگر امنیتی ساز، پدیده های امنیتی و مخاطب می شود (بختیاری رنانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸).



1. McSweeney
2. Ollie Weaver
3. Bari Buzan

شکل ۲- اجزای کنش امنیتی سازی (بختیاری رنانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸)

براین اساس، گزاره‌های فرآیند امنیتی سازی تا زمانی که میان مرجع امنیتی ساز و مخاطب درباره‌ی تهدید بودن یک مسئله، مفاهیم‌ای ایجاد نشود، امنیتی کردن به نتیجه نرسیده است (بختیاری رنانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰). غیرامنیتی سازی هم فرآیند و کوششی در رفع اختلافات و نیل به مصالحه سیاسی معمول است (آذرشب و مؤمنی، ۱۳۹۶: ۱۴۳). از این رو، با جلوه دادن هر موضوع به عنوان تهدید وجودی، آن موضوع به آستانه‌ی امنیتی شدن رسیده است. اما وقتی امنیتی می شود که مخاطبان آن را بپذیرند. اگر پذیرش از سوی مخاطب صورت نگیرد، تنها می توان گفت، حرکتی برای امنیتی کردن موضوع انجام شده، ولی موضوع، امنیتی نشده است. از این رو، در بحث موضوع امنیتی کردن، برای اقناع مخاطبان به منظور پذیرش هر موضوع به مثابه‌ی تهدید وجودی لازم است، ادله‌ای ارائه شود؛ چرا که قدرت استدلال، علاوه بر ایجاد قطعیت در وجودی بودن تهدید، پذیرش مخاطبان برای انجام اقدامات غیرعادی و فوق العاده، جهت رفع آن را حتمی می کند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۱).

۲-۳. کارکردگرایی و نوکارکردگرایی

پایه‌ی دیگر چارچوب نظری پژوهش کارکردگرایی و نوکارکردگرایی می باشد که یکی از پیشگامان آن دیوید میترا نی است که مفهوم همگرایی را مطرح کرده است. از منظر این نظریه وقتی دولت ها کسب موفقیت در یک حوزه را تجربه می کنند سعی بر این دارند که به تدریج همگرایی را به دیگر حوزه ها نیز تسری دهند (اجلال، ۱۴۰۱: ۹). موضوع حائز اهمیت، نیاز کشورها به همکاری است، که منجر به در برگیری حوزه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... می شود. این گونه همکاری ها در ابعاد مختلف نهایتاً بنیان هایی را پایه ریزی می کند که منجر به همگرایی در سیاست های کلان دولت ها و ایجاد صلح می شود. براین اساس، همگرایی این پتانسیل را دارد که از سطح بین نهادی و بین دولتی شروع شود و در نهایت به روش مقابله ای در مواجهه با بحران های ناشی از تضاد منافع میان دولت ها تبدیل و منجر به ایجاد شبکه گسترده ای از سازمان های اقتصادی و اجتماعی بین المللی شود (اجلال، ۱۴۰۱: ۹). از این رو، همگرایی، از یک حوزه، آغاز می شود و به سایر حوزه ها تسری می یابد. براین اساس و با توجه به مفهوم تسری، هاس، برای ورود به همگرایی در بین

کشورها، روابط اقتصادی می‌تواند به‌عنوان کلید درب اول عمل کند. این بهبود روابط اقتصادی حضور اتباع کشورهای مختلف در خاک یکدیگر را به دنبال خواهد داشت و باعث سرریز شدن روابط اقتصادی به روابط فرهنگی خواهد شد. و نفوذ فرهنگ‌های مختلف در خاک یکدیگر را به دنبال دارد (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۲). در این راستا، یکی از حوزه‌هایی که همگرایی می‌تواند در آن تسری کند، علم و فناوری است. همگرایی علمی، دربرگیرنده‌ی یک سری تعاملات تحول آفرین و تقویت‌کننده، بین جوامع و فناوری‌ها، در جهت رسیدن به انسجام، هم‌افزایی برای تأمین اهداف مشترکی می‌باشد که می‌تواند در کاهش امنیتی‌سازی نقش ایفا کند. نوکارکردگرایان گسترش و ارتقای همکاری‌ها در زمینه‌های کمتر اختلاف برانگیز را زمینه‌ای برای به وجود آمدن فرهنگ همکاری در حوزه‌های اختلاف برانگیز قلمداد می‌کنند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۴).

با توجه به دیدگاه‌های این نظریه، علم در ایجاد تعاملات با متکی بودن بر ظرفیت جهانی، این امکان را برای واحدهای سیاسی مهیا می‌کند که برای دست پیدا کردن به اهداف مشخص، تعاملاتشان را با بازیگران غیردولتی و از عرصه‌های غیر حساسیت‌زا دنبال کنند و برای تعاملات در بخش‌های حساس از آن استفاده کنند. در این حالت بازیگری که مایل است برای افزایش قدرت نرم خود از توان علمی استفاده کند، می‌تواند به وسیله‌ی شرکت‌های علمی خود تعاملات تکنولوژیکی، فنی، بهداشتی و.... با کشور هدفی که ممکن است هویت دیگری داشته باشد، برقرار نماید. به دنبال این موضوع افزایش تعامل مردم-مردم به‌خصوص بین نخبگان با عادی‌سازی روابط و هنجارهای رفتار ساز، می‌تواند به شکل‌گیری و عمیق‌تر شدن تعاملات حتی در عرصه‌های حساس سیاسی مبادرت کند. از این‌رو، دیپلماسی علمی با ایجاد فرصت برای بازیگران عرصه‌ی علمی، در عرصه‌های جهانی و سیاسی، این توانایی را دارد که به عمیق شدن روابط در عرصه‌های غیرحساس و تسری به حوزه‌های حساس و سیاسی، اشتراک‌گذاری و آگاهی بخشی را افزایش داده و تفکرات نادرست از یکدیگر که اختلافات را در پی دارد را تضعیف کند (کیوان حسینی و بهرامی، ۱۴۰۰: ۹۹-۹۸).

پیشینه پژوهش (B Zar: 14; Bold)

پیشینه در قالب جدول نمونه و با استفاده از منابع داخلی و خارجی (عمدتاً در پنج سال اخیر) و ارتباط منطقی با مسئله پژوهش گزارش گردد. در انتها، نوآوری تحقیق در قالب یک پاراگراف بیان گردد. (B Zar: 12)

جدول ۱. پیشینه پژوهش (B Zar: 12) (متن داخل جدول؛ B Lotus 10)

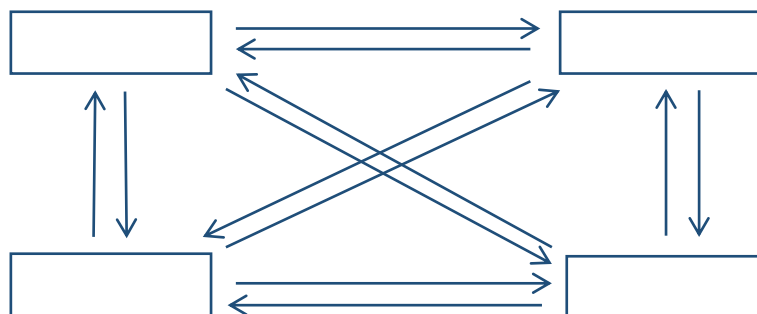
ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش) (B Lotus 10)	عنوان پژوهش (B Lotus 10)	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش (B Lotus 10)
۱	منابع خارجی، به انگلیسی و عربی آورده شود		
۲			
۳			

روش‌شناسی پژوهش (B Zar: 14; Bold)

(روش‌شناسی پژوهش با توجه به پژوهش و لایه‌های آن گزارش و مفاهیم، متغیرها، روش گردآوری داده‌ها، روش تحلیل داده‌ها، جامعه و نمونه، روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات و مراحل انجام و اجرا روش ارائه گردد.) (B Zar: 12)

یافته‌های پژوهش (B Zar: 14; Bold)

یافته‌ها دستاوردهای مطالعه هستند که در مطالعات کمی شامل توزیع ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد گروه نمونه، یافته‌های توصیفی و تحلیلی متغیرهای مورد مطالعه را شامل می‌شوند. یافته‌های پژوهش کیفی نیز در قالب طبقات، مفاهیم یا مضامین اصلی با زیرمجموعه آنها به همراه نقل قول‌های مستقیم شرکت‌کنندگان یا داده‌های اولیه توضیح داده می‌شوند. در یافته‌های پژوهش اگر اجزای مختلفی وجود دارد، باید شماره گذاری شود (۴-۱، ۴-۲، ۴-۳ و.....). تیترا زیر تیترا بی‌زر سایز ۱۴ و متن آن بی‌زر سایز ۱۲ باشد. (B Zar: 12)



شکل ۱. توضیحات (B Zar: 12) (شکل باید کاملاً خوانا و به زبان فارسی ترجمه شده باشد، همچنین از رنگ‌ها برای مشخص کردن آیتم خاصی در شکل استفاده نشود) (منابع در شکل و جداول، حتماً ذکر گردد)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها (B Zar: 14; Bold)

حاوی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از یافته‌ها در راستای چگونگی پاسخ به اهداف یا سؤال‌های پژوهش باشد. در این نتیجه‌گیری موارد کاربرد یافته‌ها، محدودیت‌های مطالعه و میزان تعمیم‌پذیری آن در یافته‌ها نیز مورد توجه قرار گیرد. پیشنهادهایی جهت انجام مطالعات بعدی و به کارگیری یافته‌ها هم در این بخش مطرح شود. (B Zar: 12)

تضاد منافع (B Zar: 13; Bold)

در صورت وجود هرگونه تعارض منافع در این قسمت ذکر شود. در غیر اینصورت ذکر تعارض منافع ندارم کفایت می‌کند. (B Zar: 12)

قدردانی (B Zar: 13; Bold)

در یک پاراگراف کوتاه از حامیان مادی و معنوی پژوهش تقدیر شود. (B Zar: 12)

References

- Afzali, H., Damghanian, H., Moghaddam, A., & Asgari, N. (2024). Identifying and validating the antecedents and consequences of knowledge hoarding by knowledge workers. *Strategic Management of Organizational Knowledge*, 7(2). (In Persian)
- Agarwal, U. A., Avey, J., & Wu, K. (2021). How & when abusive supervision in ounces knowledge hiding behavior: Evidence from India. *Journal of Knowledge Management*, 26(1); 209–231. <https://doi.org/10.1108/jkm-10-2020-0789>. (Times New Roman: 9)



نکته: ارجاعات درون متنی و پایانی به انگلیسی باشد. در پایان ذکر منابع پایانی در صورتی که زبان اصلی مقاله فارسی باشد از (In Persian) در انتهای هر یک از منابع استفاده شود. کد Doi مقالات ذکر گردد. تا حد امکان منابع مورد استفاده در پژوهش مربوط به پنج سال اخیر از مجلات معتبر (Q) باشد. حداقل سه منبع مربوط به مقالات منتشر شده از نشریه آفاق امنیت باشد.